



Examining the entry (prayer) in the encyclopedia of the Qur'an

Abdulkhaliq Fayyaz Barati*

Abstract

The entry (Prayer) in the Leiden Encyclopedia of the Qur'an is written by the German scholar Bowering, Gerhard, a professor and Islamic scholar at Yale University in America. Examining Bowering's point of view based on the claim that "Muslim traditional prayer, quantitatively and qualitatively, is based on previous religions and cultures". It is the main problem in the present research. The upcoming essay has investigated this entry with a descriptive-analytical approach, using a library method. Examining the word "prayer" using semantic methods and rhetorical sciences such as: such as synonyms, metaphors, etc. in the two axes of substitution and cohabitation with words such as: Zikr, dua, iqamah, humility and patience are the main methods in this research. The findings of the research show that the customary and common form of worship of Muslims at the time of the Prophet of Islam (PBUH) with the Qur'anic references, explain by God's command, interpreted and implemented And thus Bowering's claim is not compatible with the teachings of the Qur'an and historical documents And his arguments do not have the necessary mastery.

Key words: the role of the Qur'an in the creation of traditional Muslim prayer, words expressing prayer in the Qur'an and other languages, the evolution of prayer before and after the Prophet of Islam.

*PhD student of Al-Mustafa University (s), FayyazBarati@jmail.com



بررسی مدخل (صلاه prayer) در دایره المعارف قرآن لایدن*

عبدالحق فیاض براتی *

چکیده

مدخل (صلاه)، در دایره المعارف قرآن لایدن، نوشته دانشمند المانی تبار «باورینگ، گرهارد»، استاد و اسلام شناس دانشگاه ییل در امریکا است. بررسی یدگاه باورینگ مبنی بر این ادعا که «نماز مرسوم مسلمانان، به لحاظ کمی و کیفی، متخذ از ادیان و فرهنگ های پیشین است»، مسئله اصلی در پژوهش حاضر را تشکیل می دهد. جستار پیش رو با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به روش کتابخانه-ای به بررسی این مدخل پرداخته است. بررسی واژه «صلاه» با استفاده از روش معناشناختی و علوم بلاغی مانند: مانند ترادف، استعاره، و... در دو محور جانشینی و هم نشینی با واژه های، مانند: ذکر، دعا، اقامه، خشوع و صبر، روش اصلی در این پژوهش است. یافته های پژوهش نشان می دهد که شکل عبادی مرسوم و رایج مسلمانان در زمان بعثت توسط پیامبر اسلام (ص) با اشارات قرآنی، به فرمان خداوند تبیین، تفسیر و اجرا شده است و بدین ترتیب ادعای باورینگ با آموزه های قرآن و مستندات تاریخی سازگاری ندارد و استدلال های وی از اتقان لازم برخوردار نیست.

کلید واژه: نقش قرآن در ایجاد نماز مرسوم مسلمانان، الفاظ بیانگر نماز در قرآن و دیگر زبان ها، تحول نماز در قبل و بعد از بعثت پیامبر اسلام.

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۱

*دانش آموخته دکترای قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

FayyazBarati@gmail.com



۱. مقدمه

«صلوة = نماز» به عنوان یک امر عبادی در تمام شرایع و ادیان مطرح بوده و در اسلام از مهمترین اعمال عبادی شمرده شده است. کلمه «صلوة» که در زبان شرع و قرآن، برای فعل عبادی خاص یعنی همان نماز جعل شده است، در لغت نامه ها به معناهای: دعا، ثنا و تمجید، تعظیم، آتش افروخته، ورود در آتش، مقام اسب دوم در مسابقه، ملازمت و دوام، انعطاف و توجه، و عبادت مخصوص و مفروض، استعمال شده است. این در حالی است که نگارنده مدخل (صلوة) معتقد است که «صلوة» همان عبادت های معمول در ادیان و فرهنگ های پیشین و معاصر از عصر نزول است که قرآن از آنها تاثیر پذیرفته و به صورت مبهم مطرح کرده و به جزئیات نماز مرسوم در بین مسلمانان، در قرآن هیچگونه اشاره‌ی نشده است.

. آقای باورینگ در مدخل مورد نظر پس از بررسی سه اصطلاح (صلوة، دعا، ذکر)، این ادعارا مطرح نموده است که این سه اصطلاح را قرآن از فرهنگ های هم جوار عرب ها در عصر نزول وام گرفته است، و آگاهی محمد از عبادت و نماز تا حدودی متأثر از رسوم قبیله‌ای عرب و ادیان منطقه‌ای خاور میانه است. «صلوة = عبادتی» که قرآن از آن سخن می گوید، تجربه خود محمد (ص) بوده، او خود تا قبل از بعثت، تابع افکار دینی قبیله یعنی افکار عموهایش، از جمله ابولهب عبدالعزی است. چرا که محمد (ص) در مراسم عبادی مشرکان عرب شرکت داشته و حتی در عبادتگاه آنها قربانی داده است. اما پس از بعثت عبادت مخصوص به خود را نهادینه کرده، تا آنجا که پس از عزلت گزیدن در غار حرا، در بین جوانان مکه که بیشتر از طبقات فقیر جامعه بودند آن عبادت شخصی را به صورت عبادت جمعی (نماز جماعت) ترویج کرد. این عبادت جمعی که برگرفته از عبادت شخصی محمد (ص) است به مولفه های مانند: تغییر قبله، اجتماع در زمان های معین از شبانه روز، مکان معین (مصلی) انجامید؛ که نتیجه این همه تلاش، شکل گیری منسک عبادی نماز به نام «صلوة» است. باتوجه به این ادعای مطرح شده از سوی باورینگ در مدخل «صلوة»، پژوهش حاضر این ادعارا مورد بررسی قرار داده تا نقش قرآن در تبیین و آموزش مسئله نماز

مرسوم مسلمانان روشن شود. ریشه یابی اصطلاح «صلاة» در قرآن و زبان های دیگر؛ سیرتاریخی
واژه «صلاة» در

عصر نزول قرآن؛ جایگاه معنایی واژه «صلاة» در حوزه-ای واژگانی قرآن در دو محور جانشینی و
هم نشینی؛ شکل عبادی نماز؛ عبادت شخصی محمد(ص)؛ شکل گیری عبادت های جمعی؛
تحول نماز در قبل و بعد از تغییر قبله؛ نمازهای پنجگانه و اوقات آنها از مسائل اصلی این پژوهش در
جهت تبیین مسئله مورد نظر است. بررسی های پژوهش حاضر این نتیجه را به دست می دهد که
نماز مرسوم مسلمانان برگرفته از آیات قرآن است؛ اما تنها چیزی که در این زمینه قابل بحث و بررسی
است، این مسئله است که پیامبر(ص) از ابتدای زندگی عبادت های داشته، اما کمیت و کیفیت آن
واضح و روشن نیست، ولی بعد از بعثت، نماز مرسوم، کمیت و کیفیت، آن، و حتی تعیین اوقات
نماز، چه قبل از سفر نورانی معراج پیامبر(ص)، یا پس از آن، توسط جبرئیل به پیامبر اسلام آموزش
داده شده و حدود آن معین گردیده است.

در مطالعه دیدگاه های نویسنده مدخل، از دو منبع: متن فارسی: دایرة المعارف قرآن لایدن،
ج ۳۹۱/۵-۴۰۸ و متن انگلیسی: (Encyclopedia of the Qur'ān, Vo. ۴، P. ۲۱۵-۲۳۴)،
استفاده شده است، بر این اساس، ارجاعات نیز طبق متن انگلیسی صورت گرفته است

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص نقد مدخل های دائره المعارف قرآن لایدن ده ها مقاله در مجله های معتبر به طور
عام و مجله قرآن پژوهی خاورشناسان به طور خاص تدوین گردیده است. برای نمونه اگر بخواهیم
تنها دیدگاه «اقتباس» پنداری مستشرقان را که تاحدودی با پژوهش حاضر ارتباط دارد، بررسی
کنیم، مقالات زیادی از جمله: مقاله: «اقتباس قصص قرآن و عهدین»، از محمد علی رضایی
اصفهانی و همکارانش در معرفت ادیان، سال ۵، بهار ۱۳۹۳ ش ۲، پیاپی ۱۸؛ مقاله: «نظریه اقتباس
قرآن از عهدین»، از علی اسدی، در «معرفت ادیان، سال ۸، تابستان ۱۳۹۶، ش ۳، پیاپی ۳۱)، را می
توان نام برد. اما تحقیق مستقل که به طور خاص به نقد مقاله باورینگ در مورد صلاه پرداخته باشد،



طبق جستجوی انجام شده یافت نشد. در ادامه، پژوهش حاضر در تحت سه عنوان: ریشه یابی لفظ «صلوة و مشتقات و الفاظ هم معنی» در قرآن. پیدایش شکل عبادی مرسوم مسلمانان به صورت

فردی و جمعی. تحولات نماز در قبل و بعد از تغییر قبله و اوقات نمازهای پنج گانه. به سرانجام می رسد.

الف- ریشه واژه «صلوة»، هیئت و شکل آن، در فرهنگ قرآن و ادیان دیگر

اقای باورینگ گرهارد، برای بررسی مسئله نماز مسلمانان به شکل مرسوم کنونی، بحث خود را از ریشه شناسی الفاظی که در قرآن، بیانگر نماز مسلمانان است آغاز نموده است. ایشان در این رابطه دو موضوع را مطرح می کند یکی اینکه، الفاظ بیانگر نماز در قرآن مانند واژه های (صلوة، ذکر، و دعا)، علاوه بر اینکه ریشه در ادیان و فرهنگ های پیش از اسلام دارد، گویای هیئت و شکل و جزئیات نماز نمی باشد. دیگر اینکه شکل، هیئت و جزئیات نماز مانند، رکوع، سجود، قیام، قعود، و...، توسط شخص محمد(ص) از ادیان و فرهنگ های پیشین و هم جوار عصر نزول، اقتباس شده است. برای بیان اصل مدعای خود می نویسد:

سه اصطلاح «صلوة» (نماز)، «دعا» (مناجات)، «ذکر» (یاد معنوی)، انگار ریشه در زبان قرآن دارد، اما این اصطلاح در اصل به معنی خم شدن و سر فرود آوردن است که ریشه در زبان های آرامی و سریانی (صلواط) دارد. و بسیاری از ویژگی ها (جزئیات) نماز مرسوم، از دو مواجهه مسلمانان (با محیط های فرهنگی خاورمیانه و فرهنگ های سرزمین های فتوحات اسلامی) گرفته شده اند. و در نتیجه، آگاهی محمد(ص) از عبادت و نماز، تا حدودی ریشه در رسوم قبیله ای عرب ها دارد، که تا اندازه ای از شکل های نهاده شده (اعم از شکل های فردی و جمعی) در ادیان منطقه ای خاور میانه مانند: گنوسی، باطنی، و...، حکایت دارد. (Gerhard, Böwering, ۲۰۰۴EQ, p. ۴, ۲۱۵).

اقای باورینگ برای مستند و مستدل نشان دادن مدعایش واژه «صلوة» و مشتقات آن را در قرآن در سه محور مورد مطالعه قرار داده می نویسد:



۱. کلمه «صلوة» و مشتقات آن، بیش از ۱۰۰ بار در قرآن به کار رفته است، اما همگی از شکل نماز رایج اعراب پیش از اسلام حکایت دارند. و عرب ها به دو صورت فعلی (کوثر/۲) و اسمی (انفال/ ۳۵، توبه/۹۹)، کلمه «صلوة» را به معنی عبادت های قبل از تعلیمات قرآن به کار می بردند.

و اسم آن «الصلاة» نیز دلالت بر این مطلب دارد که معنی «صلوة» قبل از قرآن برای عرب ها قابل فهم بوده است. در نتیجه کلمه «صلوة» به معنی نماز و عبادت مرسوم، قبل از قرآن موجود بوده است. علاوه در مواردی فعل «صلی» به معنی درود و دعا استعمال شده که از جانب خداوند برای بندگان است و نه عکس (عمل انسانها برای خداوند). چنانکه استعمال قرآنی آن، در حق شعیب پیامبر، به معنی دعا از جانب خدا به کار رفته است. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. Vo. ۴. P. ۲۱۷-۲۱۸).

۲. سازش دادن بین اصطلاحات (ذکر)، (دعا)، (صلوة)، برای نمودهای متنوع عبادت در قرآن به لحاظ قلمروهای کار بردی و معناشناسی، بیانگر عبادتی به نام نماز با نمود که الان در بین مسلمانان رایج است ممکن نمی باشد. چرا که به لحاظ کاربرد، مشتقات دو واژه-ای (ذکر) و (دعا)، دو برابر کاربرد مشتقات واژه-ای (صلوة) در قرآن است علاوه بر اینکه واژه (دعا) در کاربرد پیش از اسلام، به صورت مثبت و منفی، و در قرآن تنها به صورت مثبت، (اسراء/۱۱)، برای خدای فریاد رس (فصلت/۴۹-۵۰) به کار رفته است. و به لحاظ معنا شناختی، واژه-ای (دعا) در ظاهر حکایت کننده قدیم ترین لایه زبان عبادت به عربی است، که در تمسک به خدایان پیش از اسلام، است که شواهد زیادی در آیات قرآن مانند آیات: نساء/۱۱۷، انعام/۱۰۸، اعراف/۱۹۷، ۱۹۴، یونس/۶۶ و ۱۰۶، رعد/۱۴؛ نحل/۲۰؛ مریم/۴۸؛ و... می توان یافت. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. Vo. ۴. P. ۲۲۸-۲۳۰).

۳. در آیات ۳۸-۳۹ سوره ال عمران، و آیات ۳۹ و ۴۰ سوره ابراهیم، (دعا و صلوة) کنار هم آمده است، بیانگر این مطلب است، که دعای که روش قدیم اعراب برای مناجات بود، محمد(ص) به عنوان عمل عبادی که در سنت عبادی ارامی ریشه داشته برگزیده است. علاوه کلمه «دعا» و



مشتقات آن در سوره های اول دوره مکی که باز تاب ترکیب (دعا) با (صلوة) با قلمرو معنایی (ذکر) را در باره ای احکام خواندن نماز با صدای ملایم و خفی، و خواندن نماز با خشوع و حضور قلب، و.... دارد به ندرت می توان در آیات قرآن یافت. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴, Vol. ۴. ۲۲۸P-۲۳۰).

بررسی

در بررسی مطالب آقای باورینگ، توجه به دو حوزه ای معناشناسی تاریخی، و توصیفی از اهمیت زیادی برخوردار است. در معناشناسی تاریخی: گزارش های تاریخی و اشعار جاهلی، حاکی از این است که معنای صلاوة در زمان عصر نزول یک نوع نیایش و عبادت شناخته می شد. و در مطالعه معناشناسی توصیفی: کاربرد وحیانی واژه صلاوة، بر دو محور جا نشینی با واژه های مانند، دعا، ذکر، تسبیح، زکاة، و.. و بر محور هم نشینی با واژه های مانند، اقامه، صبر، خشوع، و.. در یک حوزه ای معنایی قرار می گیرد. در ادامه، کاربردها و معناشناسی واژه صلاوة، در سه محور (واژه صلاوة و مشتقات آن در قرآن؛ سیرتاریخی واژه «صلوة» در عصر جاهلی و عصر نزول قرآن، جایگاه معنای «صلوة» در حوزه واژگانی قرآن در دو محور جانیشینی و هم نشینی) بر اساس منابع اسلامی مورد مطالعه قرار می گیرد.

۱. واژه صلات و مشتقات آن در قرآن

لغت شناسان اسلامی، در اینکه ریشه «صلوة» ناقص «واوی» است یا «یایی»؟ اختلاف نظر دارند. اما دیدگاه «واوی» خواندن نظریه غالبی است. بر اساس این نظریه، برای کلمه «صلوة» که الف آن بدل از واو، و جمع آن «صلوات» و تثنیه آن «صلوان» است، اهل لغت معناهای متعدد و مختلفی به شرح ذیل، برای آن، بیان داشته اند.

۱. دعا: بسیاری از اهل لغت، معنای لغوی کلمه «صلوة» را «دعا»، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵۴/۷، تبریک و تمجید (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۴۹۰/۱). دانسته اند. و وجه «نماز» به «صلوة» این است، از باب تسمیه کل به اسم جزء این است که «نماز» مصداقی از مصادیق دعا ها است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۴۹۰/۱). و در قرآن (بقره/۳)، نیز واژه «صلوة» به معنی دعا به کار رفته است.

۲. ثنا و تمجید: «صلاة» در لغت به معنای: دعا و رحمت، و عبادتی است که در آن رکوع و سجود است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶۵/۱۴). و اگر از جانب خدا بر پیامبر (ص) باشد به معنی حُسن ثنا و تمجید است (همان، ۱۴۱۴ق، ج ۶۵/۱۴). و «صلاة» اسم است که در جای مصدر نشسته است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳۹۴/۴). و در قرآن (اجزاب/۵۶) نیز به این معنی اشاره شده است.

۳. تعظیم، برخی از لغت دانان اسلامی، معتقد اند که «صلاة» به معنی تعظیم است، از آنجا که نماز تعظیم در برابر خداوند است به آن «صلاة» اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶۶/۱۴). و معنای عبارت (اللهم صلی علی محمد و آل محمد) به همین معنی است. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲۶۸/۱).

۴. آتش افروختن، برخی از اهل لغت می نویسند: «صلاة» از ماده «الصَّلا» به معنی آتش افروخته اخذ شده (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰۰/۳). و جمله «صلى الرجل» یعنی آن مرد با این عبادت، صلاة و آتش افروخته را از خود دور کرد. طبق این نظریه «نماز» را از آن جهت «صلاة» نامیده اند که آتش دوزخ را از انسان دور می کند. این ماده در قرآن (حاقه/۳۰-۳۱) نیز به این معنا به کار رفته است. این معنی در احادیث نیز آمده است: قال رسول الله (ص) «مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتُهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيِ النَّاسِ أَيُّهَا النَّاسُ قُومُوا إِلَىٰ نَبِيِّكُمْ الَّذِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَىٰ ظُهُورِكُمْ فَأَطِئُواهَا بِصَلَاتِكُمْ» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، مقدمه ج ۲۰۸/۱). و در قرآن به معناهای: گرم شدن به آتش (نمل/۷)، وارد آتش شدن (صافات/۱۶۳)، سوختن در آتش (مریم/۷۰)، نیز استعمال شده است.

۵. عبادت مخصوص و مفروض، مشتقات ماده «صلو» به معناهای عبادت، نماز (نساء/۱۰۳)، نمازگزار (ماعون/۴ و ۵)، نمازگزاردن (اعلیٰ/۱۵) استعمال شده است. راغب اصفهانی در این رابطه می نویسد: صلاة همان عبادت مخصوص است که در اصل به معنای دعا، است (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۴۹۱/۱). و معانی دیگری نیز مانند: مفهوم «اطاعت و



پیروی»، (اعلی/۱۵)؛ مفهوم «ملازمت و دوام»، (واقعہ/۹۴) و «انعطاف و توجه»، (جوهری/۱۳۷۶ق)، ج ۶/۱۹۶ در رابطه به کلمه «صلوة» به کار رفته است.

۲. سیرتاریخی واژه «صلوة» در عصر جاهلی و عصر نزول قرآن
 برخی از لغت دانان اسلامی «صلوأة» ریشه سریانی و آرامی دارد. و در همان زبانها با عنوان «صلوتا» یا بنا بر قولی «صلوثا» به معنی عبادت مخصوص شناخته شده بوده، و بعداً در زبان

عربی تعریب شده است. شعرای عرب جاهلی نیز به همین معنی استعمال می کرده. چنانچه در این بیت شعر از «اعشی» ملاحظه می شود:

تَقُولُ بَنَتِي وَقَدْ قَرَّبْتُ مُرْتَحَلًا يَارَبِّ جَنَّبَ أَبِي الْأَوْصَابَ وَالْوَجَعَا
 عَلَيْكَ مِثْلُ الَّذِي صَلَّيْتَ فَاعْتَمِضِي نَوْمًا فَإِنَّ لِحَنْبِ الْمَرْءِ مُضْطَجِعَ. (اعشی) بی
 (تا)، (ص ۱۰۱).

عبارت «عَلَيْكَ مِثْلُ الَّذِي صَلَّيْتَ» یعنی همانند آنچه که برای من خواستی و دعا کردی، از خیر و خوبی به تو برسد.

آنچه از بررسی واژه «صلوأة» در قرآن و سیر تاریخی، بدست می آید این است که برای عرب عصر نزول این واژه به عبادت مفروض، شناخته شده بوده، لذا در سوره های مزمل و مدثر، که از نخستین آیات نازل شده قرآن است، بی هیچ توضیحی در باره ماهیت «صلوة» فرمان به اقامه «صلوة» نازل شده است. مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۶/۲۷۳-۲۷۵). اما آنچه که در اینجا قابل توجه است، این است که گرچه در عصر نزول کلمه «صلوة» مورد استعمال عرب جاهلی بوده، و به معنای مطلق دعا، یا نوعی عبادت خاص شناخته می شده، و مشرکان عرب در برابر خانه کعبه عبادتی مخصوص با عنوان «صلوة» انجام می داده اند، ولی از لحاظ مصداق، عبادت مسلمانهای عصر نزول که الان نیز به همان شکل انجام می شوند، با عبادت عرب های جاهلی عصر نزول، بسیار متفاوت بوده است، و قرآن به این امر اشاره کرده است. «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً

وَتَصَدِّیَّةٌ...» (انفال/۳۵). و نماز آنها در خانه کعبه جز سوت زدن و کف زدن، چیزی دیگر نبوده است. در نتیجه معنا و هیئت صلاة قبل از اسلام و بعد از اسلام متفاوت است.

۳. معناشناسی توصیفی واژه «صلاة» در کاربرد قرآنی در محور جانشینی با دیگر واژگان قرآنی. واژه «صلاة» در کاربرد قرآنی با توجه به محور هم نشینی بار معنایی خاصی دارد. کلمات که در این نظام در کنار یکدیگر قرار می گیرند، تشابه معنای با فرایند: کنایه، مجاز، استعاره یا مترادف، و... پیدا می کنند، که مختص خود قرآن است. در ادامه دو واژه-ای (دعا و ذکر) که با کلمه «صلاة» در یک حوزه معنای قرار گرفته است، مورد مطالعه قرار می گیرد.

۳/۱. کلمه «دعا»، همانطوری که در صفحات قبل، بیان شد که از دیدگاه لغات شناسان، معنی اصلی و اولی کلمه «صلاة» دعا است، (ابن فارس، ۱۴۱۵ق، ج ۳/۳۰) و معنای خود کلمه «دعا» خواندن، بانگ زدن، استمداد و حاجت خواستن است. (راغب، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۵) در حدیثی از امام صادق (ع) ذیل ایه شریفه ۶۰ سوره غافر، دعا نوعی عبادت محسوب شده است. (طبرسی، ۱۳۷۱ش، ج ۸/۴۶۶). و نماز نوع خاصی از دعا است. «دعا» یک مفهوم دو سویه است که از طرف خداوند و مخصوص خداوند به معنی رحمت خداوند بر بندگان است (بقره/۱۸۶). و از طرف مخلوقات خواستن، تضرع و انقیاد در برابر خداوند است. (طبرسی، ۱۳۷۳ش، ج ۲/۵۰۱). قتاده و مجاهد، «یدعون» در (انعام/۵۲) را بر نمازهای یومیّه تطبیق داده اند (همان، ۱۳۷۳ش، ج ۴/۴۷۳). علامه طباطبایی، کلمه «تدعوا» در (جن/۱۸) را به سجده تفسیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰/۵۰). بنابراین کلمه «صلاة» اخص از دعا است و بر نوع خاصی از دعا و عبادت اطلاق می گردد، و دعا در قرآن به معنی مطلق عبادت یا خصوص صلاة است؛ در نتیجه واژه های «صلاة» و «دعا» بر محور جانشینی هم حوزه اند، و گاهای به جای یکدیگر استعمال می شوند، چرا که دعا اعم از صلاة اند.

۳/۲. ذکر، ذکر در لغت به معنای حفظ و یاد اوری چیزی در ذهن، دل یا زبان است. با این تفاوت که حفظ، نگهداشتن معنی (مفهوم) در ذهن است و ذکر حضور معنی (مفهوم) در نفس است. خلیل بن احمد فراهیدی برای کلمه «ذکر» پنج معنا بیان کرده است: ۱- حفظ شیئی در حالی



که آن را به یاد می آوری. ۲- جاری شدن چیزی بر زبان. ۳- شرف و بزرگی. ۴- کتابی که در آن تفصیل دین وجود دارد یعنی همه کتابهای انبیاء از جمله قرآن کریم، ذکر محسوب می شود. ۵- نماز و دعا و ثنا (فراہیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳/۴۶). «تذکر» یعنی طلب آنچه از دست رفته (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۳/۴۷). با توجه به معنی ذکر و تذکر؛ تذکر در مقابل نسیان و ذکر در برابر سهو و غفلت است. این در حالی است که زبیدی، طریحی و مصطفوی، «ذکر» را در برابر نسیان، و «تذکر» را به معنای به یاد آوری آنچه فراموش شده است دانسته اند. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶/۴۴۲)؛ (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳/۳۱۳)؛ (مصطفوی، ۱۳۸۶ش، ج ۳/۳۱۸). واژه «ذکر» در قرآن بیش از ۷۰ بار در باب های

مختلف و در وجوه معنایی گوناگون به کار رفته است. تفلیسی در وجوه القرآن، ۱۷ وجه، از جمله نماز جمعه (جمعه ۹) و نمازهای یومیہ (بقره ۲۳۹؛ منافقون ۹) را برای معنای ذکر بیان داشته است. (تفلیسی، ۱۳۷۱ش، صص ۱۰۳-۱۰۸). در برخی آیات قرآن، ذکر، ثمره و هدف اقامه نماز است. (طه/۱۴). و در برخی دیگر ذکر آرامش بخش قلب انسان است. (رعد/۲۸). خلاصه اینکه دو واژه-ای «صلوة و ذکر» می تواند بر محور جانشینی در یک حوزه معنای قرار بگیرد، و معنای مشابه را تداعی نماید.

۴. معناشناسی توصیفی واژه «صلوة» در کاربرد قرآنی بر محور هم نشینی

در محور هم نشینی، برخی از واژه ها، با واژه صلاة حوزه-ای معنای خاص خود را تشکیل می دهند. که برخی به لحاظ مفهومی، نقش مقدمی، و برخی نقش توصیفی برای صلاة دارند، انهای که نقش مقدمی دارند در تحقق هدف صلاة کارسازند، و انهای که نقش توصیفی دارند ماهیت صلاة را توضیح می دهند، که در ادامه به برخی این واژه ها اشاره می شود.

۴/۱. اقامه، اقامه از قام یقوم به معنی به پا خواست و بر خواست (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۰). این واژه و مشتقات آن در قرآن بارها در کنار واژه «صلوة» قرار گرفته اند (بقره/۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰). پس محور هم نشینی با یکدیگر در حوزه معنای دارند. از سوی دیگر قیام همراه با رکوع، سجود، قنوت، و....، از اجزای اصلی نماز محسوب می شوند، پس جزء از «صلوة» است.



۴/۲. صبر، صبر در لغت به معنی خویشتن داری و خود داری از جزع و زاری (فراهید، ۱۴۰۹ق، ج ۲/۲۶۶). این واژه نیز بارها در قرآن تکرار شده است (بقره/۴۵). در قرآن در التزام به صبر سفارش شده است (لقمان/۱۷). که یکی از اقسام صبر، صبر در عبادت است (طه/۳۲). در نتیجه صبر و صلاة در هم نشینی در یک حوزه معنای قرار می گیرد.

۴/۳. خشوع، خشوع به معنای امدادگی قلبی و حضور ذهن، یکی از شرایط کمال نماز محسوب می شود «صلاة» و خشوع لازم و ملزوم هم اند. چراکه از سویی لازمه اقامه صلاة کامل و مطلوب خشوع در هنگام اقامه صلاة است و از سوی دیگر خشوع تنها در هنگام اقامه صلاة برای انسان دست می دهد، پس صلاة و خشوع به علاقه لازم ملزوم از هم نشینی برخوردارند.

نقد و بررسی

با ملاحظه مطالبی که در سه محور یاد شده، مورد مطالعه قرار گرفت؛ می توان این نتیجه را بدست آورد، که گرچه واژه «صلاة» در ادیان و فرهنگ های قبل از اسلام و عصر جاهلی مورد استفاده قرار می گرفته، و عرب های جاهلی از واژه «صلاة» عبادت می فهمیده اند. اما، هم معنای واژه «صلاة» و هم، هیئت و شکل «صلاة» و عبادت ادیان قبل از اسلام و عصر جاهلی با معنا و هیئت «صلاة» در اسلام متفاوت است. بویژه که «صلاة» علاوه بر سیر تاریخی و معنا شناسی توصیفی، در استعمال قرآنی، با در نظر داشت هم نشینی و جانشینی با دیگر واژه ها معنا و هیئت مخصوص را بیان می کنند. در نتیجه مدعایت آقای باورینگ، بی اساس است. چرا که دانشمندان اسلامی، خود قبلا اینگونه شبهات را پاسخ داده است. چنانکه، مرحوم زبیدی، به نقل از جلال الدین سیوطی در کتاب «المزهر فی اللغة و انواعها» مدعی است که اصل کلمه «صلاة» یک واژه اسلامی است. (زبیدی (۱۴۱۴ق)، ج ۱۹/۶۰۷). و صاحب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، در سیر تاریخی کلمه «صلوٰة» می نویسد: کلمه «صلاة» در زبان عبری به معنی بریان کردن، و تقریب و عرضه بر آتش است. و در زبان آرامی «صلا= صلاة» و در زبان سریانی «صلوتا= الصلاة» به معنی کنیسه استعمال شده است، اما تحقیق این است که ماده «صلاة» در زبان عربی به عبادت مخصوص اشاره دارد و در اسلام لغت مستقل است. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۶/۲۷۶). و ملا صدر، فیلسوف



شهر معاصر، در التفسیر القرآن الکریم، بعد از معانی لغوی (دعا، ملازمت به آتش، استخوان پشت انسان و حیوان)، برای کلمه «صلوة» می نویسد: «و اعلم انّ لفظ الصلوة من الأسماء الشرعية، و لا شبهة فی أنّها عربیة، فلا يجوز أن يكون الشرع ارتجلها ابتداء من غير نقل، و إلاّ فلم یصح قوله تعالی: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» (یوسف/۲). این قرآن مجید را ما به عربی فصیح فرستادیم. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲۴۳/۳).

ب. پیدایش شکل عبادی نماز مسلمانان به صورت فردی و جمعی

بحث دوم که آقای باورینگ راجع به نماز مطرح می کند، شکل عبادی نماز است. ایشان معتقد است که عبادت و نمازی که فعلاً در بین مسلمانان رایج است و شبانه روز انجام می شود؛ قبل از ظهور اسلام در بین پیروان قبلی مانند یهودیت، مسیحیت، زردشتی ها، مانوی ها وجود داشته. خاخام های یهودی، و راهب های مسیحی، و پیشوایان دینی زردشتی ها و مانوی ها، در کلیسه ها و کلیسه ها، و معابد به صورت فردی یا جمعی انجام می داده است. و حتی اجزاء و شرایط عبادت نماز مانند طهارت، رو به قبله بودن، اذکار خاص و سرودهای نیایشی، و... در اعمال عبادی نماز، در ادیان قبلی وجود داشته و پیروان آنها، آن شرایط را در نماز شان عملی می کرده اند. البته جزئیاتی را که در برخی از آیات اشاره کرده آن نیز از اصطلاحات یهودیان است و تنها تغییری که می شود از نفس قرآن دانست تغییر قبله است.

عبادت و نماز، به شکل مرسوم فعلی مسلمانان، اولاً، قبل از ظهور اسلام، در آیین های مانند: آیین یهود، که خاخام های یهودی نمازهای سه گانه: صبح و عصر و شب را به جماعت یا فرادای می خواندند وجود داشت. راهب های مسیحی، روز هفت بار در انجمن ها یا کلیسا ها، نماز و عبادت داشتند. مظاهر دیگری مانند: جهت قبله، طهارت داشتن در هنگام انجام عبادت، قرائت اذکار خاص، سرودهای نیایشی، حرکات خاص در نماز مانند: رکوع و سجود، نظم خاص: توالی اجزاء

نماز، و...، نیز داشتند. پس می توان نتیجه گرفت که آموزه نماز در دین اسلام، به صورت مرسوم، قبل از قرآن در آیین های دیگر نیز مطرح بوده، ثانیاً، قرآن، به جزئیات و افعال خاص نماز، هیچ اشاره ای ندارد. و این مطلب بیانگر این است که قرآن تنها به اصل نماز اشاره کرده، و در کیفیت و شیوه ای انجام آن، هیچ نقشی ندارد. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. Vo. ۲. p. ۴. ۲۱۵-۲۱۶) ثالثاً، این نهاد عبادی که فرمان زماندار (نساء/۱۰۳) برگرفته از کلماتی قرآنی (صلوة الفجر) نماز صبح، (اعراف/۲۰۴)، صلوة العشاء (نماز مغرب و عشا) (اعراف/۲۰۶) و صلوة الوسطی (نماز ظهر و عصر) (بقره/۲۳۸) است. احتمال دارد از اصطلاحات یهودیان مدینه: شحری (صبح)، مینحا (عصر)، عربیت (شامگاهان) گرفته شده باشد. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴)

(Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. Vo. ۲. p. ۴. ۲۲۴). مهمترین تغییر اساسی که در نماز در مدینه اتفاق افتاد تغییر قبله از طرف بیت المقدس به سمت مکه (ال عمران/۱۲۳) است. مطابق شواهد فراقرآنی، محمد (ص) پس از ورود به مدینه بدلیل سرزنش مخالفان (بقره/۱۴۲-۱۴۳) به سوی بیت المقدس نماز گزارد. اما این سوال که محمد (ص) در مکه و چند روز اول ورود به مدینه به کدام سمت نماز می گزارد؟ به سمت بیت المقدس؟ به سمت مکه؟ جوابی از تعلیمات قرآنی نمی توان به دست آورد. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. Vo. ۲. p. ۴. ۲۲۶).

بررسی: در اینکه نماز در ادیان گذشته وجود داشته هیچ شک و شبهه ای نیست، چنانکه قرآن خود، از نماز انبیاء سلف نام برده است. اما هیئت و شکل نماز در ادیان متفاوت است. نماز عبادی مسلمانان اصلی ترین آموزه قرآن و مورد تاکید قرآن است، چنانکه خود آقای باورینگ به این مطلب رسیده و در بحث بعدی به ان اعتراف دارد.

۱. ب: شکل و هیئت عبادت شخص محمد (ص)

آقای باورینگ در ذیل مطالب مطرح می کند، که محمد (ص) در ابتدا پیرو دین قبيله ای و عموهای خود بوده و معتقد به معتقدات عرب های مکی بوده است، چرا که عرب ها او را به رفاقت شیطان و کاهن بودن متهم می کرد و حتی عبادات های شخصی او نیز خواستگارش سنت قدیم عرب (برگرفته از کاهنان پیش از اسلام) بود. و آیات قرآن این اطلاعات را گزارش کرده است.



محمد(ص) یتیم عبدالله، تا قبل از بعثتش، تابع افکار دینی قبیله اش، یعنی افکار عموهایش، ابو لهب عبدالعزی، که سرسخت پیرو دین قبیله-ای عرب بود، و ابوطالب که هرگز اسلام را نپذیرفت بود؛ بوده است. و خود، در مراسم مشرکان در کعبه حضور داشت و حتی بره-ای سفید در عبادتگاه آلهه-ای عزی قربانی کرده. به عالم جنیان که از معتقدات عرب های مکه بود، اعتقاد داشت. بر اساس تعلیمات قرآن (اسراء/۱، نجم/۸-۱، تکویر/۱۹-۲۵)، عبادت، او مُلهم از بصیرت های شبانه بود. در برابر اتهام رفاقت با شیطان، و کاهن بودن، از خود دفاع می کرد. (طور/۲۹، قلم/۲، حاقه/۴۲، اعراف/۱۸۴)، روح القدس را احساس می کرد. (نحل/۱۰۲، شعراء/۱۹۲-۱۹۴)، مدعی دریافت وحی مانند انبیایی سلف (انبیاء/۷)، نوح (مومنون/۲۷)، موسی (طه/۱۳)، یوسف/۱۵)، و سایر

موجودات مانند زمین (زلزله: ۵)، زبور عسل (نحل: ۶۸)، بود. بر این اساس، می توان داوری کرد که عبادات های شخصی پیامبر(ص) تابع سنت و رویه قدیم عرب، که از نیروهای طبیعت مدد می جست، بوده، و از سجع کاهنان پیش از اسلام تبعیت می کرد. (Gerhard, Böwering, EQ. ۲۰۰۴, P. ۴, Vo. ۲۱۶-۲۱۷).

بررسی: اینکه پیامبر(ص) قبل از بعثتش، تابع افکار قبایل عرب بوده، سخن بدون دلیل است. ایاتی که اقای باورینگ بدان استناد کرده، بیانگر تهمت هایی است که به پیامبر(ص) نسبت می دادند، و خود این نسبت های ناروا، دلیل بر این است که پیامبر(ص) با آنها هماهنگ و همراه نبوده، و إلا چرا به هم کیشان خود چنین نسبتی نداده اند. و خداوند در این آیات مورد استناد؛ از پیامبرش در برابر این تهمت ها دفاع می کند و می گوید «ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ». اما اینکه در استناد به آیات سوره های اسراء، نجم، و....، مدعی است که پیامبر خصوصیات ویژه نداشته، زیرا پیامبران سلف و موجودات دیگر غیر از انسان ها، وحی در یافت می کرده اند، و عبادت پیامبر(ص) بر گرفته از آنها است. باید گفت که انبیاء سلف وحی دریافت می کردند، و این نقصی بر پیامبر(ص) نیست، و قرآن وحی برخی از انبیاء سلف را گزارش نموده است.

۲-ب: شکل گیری عبادت های جمعی.

در باب عبادت های جمعی، آقای باورینگ معتقد است: محمد(ص) خود با اینکه سواد خواندن و نوشتن نداشته، اما با عالمان مسیحی مراوده داشته، و نماز جماعت را از آنها یاد گرفت، مدتی در غار حراء، عزلت گزینی کرده و سپس عبادت های جمعی را در بین جوانان مکه ترویج داده است. محمد(ص) در محیط خارج از ادیان و حیانی پرورش یافته (شوری: ۵۲)، و کتب عهدین را نخوانده (عنکبوت: ۴۸)، اما با عالمان مسیح ارتباط داشته (یونس: ۹۴). از طریق همسرش، با ورقه بن نوفل که: (که مردی حنیف و موجه در بین مردم بود) مراوده داشته. نقل از (روبین، مدخل حنیف (۵۰۵-۵۰۷)). محمد(ص) قبل از مبعوث شدن به پیامبری، عزلت نشینی (تحث) در غار حراء را تجربه کرد، و عبادت های شخصی خود را به روز رسانی کرد، سپس در بین جوانان مکه که بیشتر از طبقات پایین جامعه بود تبلیغ کرد. و بدین ترتیب جماعت پویایی تشکیل شد که به عبادت

های جمعی می پرداخت. این عبادت های جمعی، به مولفه های خاصی مانند تغییر قبله، اجتماع در زمان معین: وعده های پنج گانه شبانه روز، و مکان معین: مصلی، انجامید، که موجب شکل گیری منسک عبادی به نام (صلاة الجماعة) شد. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴, ۲۱۷. P. ۴Vo.)

بررسی:

قرآن عبادت های جمعی مانند نماز جماعت یومیه (بقره/۴۳؛ ال عمران/۴۳)، نمازهای عیدین (بقره/۱۸۵)، نماز جمعه (جمعه/۹)، حج (ال عمران/۹۷)، اعتکاف (بقره/۱۸۷)، تبیین نموده است. و احادیث و روایات زیادی در باب تشریع عبادات های جمعی، از جمله نماز وجود دارد. که به دو نمونه روایت اکتفا می شود.

الإمام الرضا عليه السلام: «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِيَأْتِيَ بِهَا الْإِسْلَامُ وَالْإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِظْهَارًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا؛ لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِلَّهِ وَحْدَهُ، وَلِيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَالْمُسْتَخِفُّ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقَرَّ بِهِ يَظْهَرُ الْإِسْلَامُ وَالْمُرَاقَبَةُ، وَلِيَكُونَ شَهَادَاتُ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى، وَالزَّجْرِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (حرعاملی (۱۴۰۹ق)، ج ۲۸۷/۸).



عن الامام صادق (ع) «إِنَّمَا جُعِلَ الْجَمَاعَةُ وَالْاجْتِمَاعُ إِلَى الصَّلَاةِ لِكَيْ يَعْرِفَ مَنْ يَصَلِّي مِمَّنْ لَا يَصَلِّي، وَ مَنْ يَحْفَظُ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ مِمَّنْ يَضِيعُ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُمْكِنْ أَحَدًا أَنْ يَشْهَدَ عَلَى أَحَدٍ بِصَلَاحٍ؛ لِأَنَّ مَنْ لَمْ يَصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ» (ابن بابويه ۱۳۸۵ش)، ج ۲/۳۲۵).

بنابراین حکمت تشريع عبادت های جمعی بر اساس آنچه گفته آمد امور ذیل می تواند باشد: جلوه گری عظمت حق تعالی در یک عبادت جمعی در قیام و رکوع و سجود، و...، که خود نوعی تاثیر خاص بر تک تک افراد، از جمله نماز گزاران دارد. باری دیگر، مردم را به نظم در امور و اعتدال توجه می دهد. و هم چنین بین مردم، پیوند و علقه های اجتماعی و صفا و صمیمیت و برادری ایجاد

می کند. و قرآن که قانون زندگی اجتماعی است، قطعاً در این مورد توجه داشته، و نمی توان گفت که قرآن، این امور را از فرهنگ زمانه تاثیر پذیرفته است. اما آیات (شوری: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۸؛ یونس: ۹۴). که نویسنده به آنان استدلال آورده؛ بیانگر این مطلب است که پیامبر اسلام (ص) با اینکه امی بوده، اما از طرف خداوند به پیامبری انتخاب شده است. و حتی مخالفان به حقانیت او معتقد بوده. فضل آن است که دشمنان به آن گواهی دهند. و این سه ایه بیانگر فضیلت و حقانیت پیامبر اسلام است.

ج- تحول نماز در قبل و بعد از تغییر قبله

موضوع سومی که توجه آقای باورینگ در مورد نماز مسلمانان را به خود جلب نموده، تحول نماز در قبل و بعد از تغییر قبله از بیت المقدس، به طرف مکه معظمه است. وی معتقد است که نماز مسلمانان در مکه تنها به نماز صبح و مغرب خلاصه می شود، و این دو نماز، در بین اهالی مکه رایج و مرسوم، اختصاص به محمد (ص) نداشت، و بلکه محمد خود از این عبادت مرسوم تبعیت می کرد. تنها تحولی که در نماز پیامبر (ص) صورت گرفت، و رکوع سجود به ان اضافه شد، بعد از تغییر قبله در مدینه بود، و الا در مکه مردم مکه سجده کردن را یک امر خلاف شان عرب می دانستند. ایشان در این مورد می نویسد.



نماز صبح برای اهالی مکه متعارف بود، بدلیل اینکه مردم اول صبح برای خرید فروش به بازار می آمدند، و برای شکر گذاری، رو به خانه کعبه عملی (صلوٰه الصبح) را انجام می دادند. و پیامبر (ص) نیز این نماز را در جمع عموم مردم بجا می آورد. اما نماز عصر شکل عمومی نداشت، چرا که عرب ها آن را از «مینحا» یهودیان می دانستند؛ اما بعد ها، عبادت شخص پیامبر، الهام بخش شکل گیری نماز رایج شد که شامل نمازهای جماعت صبحگاهی و عصرگاهی و نمازهای شبانه می شد. و جزئیات که در در قرآن (قیام، بقره: ۲۳۸، رکوع، بقره: ۴۳، سجود، نساء: ۱۰۲)، انجام شود. به شکل یک منسک تمام عیار از قبل نبود. بلکه قبل از نزول قرآن، در امت های پیش از اسلام، در نزد مردم خاورمیانه در باره احترام به پادشاه، و علامت تمجید و ستایش در عبادت مسیحیان، و نشانه به رسمیت شناختن رئیس قبیله، و تسلیم در برابر او در زندگی عرب های جاهلی شناخته شده بود.

در حال که سجده کردن در قرآن یک عملی ستایش آمیز، تنها در برابر خدا، و نه هیچ مخلوق دیگر، توصیف می شود. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴, P. ۴, Vo. ۲۱۹).

بررسی:

اینکه آقای باورینگ تحول نماز را به دو مرحله زمانی مکه و مدینه، نسبت می دهد، و نتیجه می گیرد که در مکه، نماز مرسوم مسلمان هر چند با تلاشهای محمد (ص) و برخی از تازه مسلمانها همراه بود، به عنوان نماز آیینی شکل نگرفت. اما در مدینه این نماز شکل گرفت، چرا که مردم مدینه، نسبت به مردم مکه، به دلیل غرور کمتر، حالت پذیرش بیشتر داشت. مخدوش است. زیرا بر اساس منابع دست اول اسلامی: پیامبر اسلام (ص) از آغاز زندگی با فرشته الهی همراه و از موهبت الهی بر خوردار بوده؛ از آنجا که او دارای فطرت حنیف و سرشت پاک بوده بی تردید، در پیشگاه خداوند خویش، عبادت و بندگی داشته. چرا که آن حضرت مدت ها در غار حرا، برای ارتباط با خدای خویش به تفکر و ذکر و عبادت مشغول بوده است. (نهج البلاغه، صحبى صالح، خ ۱۹۲ ص ۳۰۰). این ارتباط در روزهای نزدیک به بعثت به اوج خود رسیده و آماده دریافت وحی و انجام فرایض الهی شده است. بنابر گزارش این شهر آشوب، پیامبر اسلام (ص) در این دوره رکوع و سجود آموخته و در چهل سالگی همزمان با بعثت حدود نماز را فرا گرفته است. (المناقب (۱۳۷۹ق)، ج ۱/۲، ۱۴۲). در منابع



دینی (قرآن و حدیث) و تاریخی (کتاب های سیره و تاریخ) مسلمانان، گزارش های متعدد و مختلف و متفاوت در باب اولین نماز یومیه پیامبر اسلام (ص)، و کمیت و کیفیت آن، مطرح شده است که به نظر می رسد تحول نماز متأثر از سفر پیامبر (ص) به معراج بوده است؛ نه اینکه متأثر از تغییر قبله باشد، زیرا تغییر قبله در مدینه صورت پذیرفته است.

الف- نماز مرسوم، در سفر معراج واجب شده است. بر اساس روایت امام صادق (ع) در (المحاسن برقی ۱۳۷۱ ش، ج ۲/۳۲۳)، و روایت امام باقر (ع) در (استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۷۱۹). وجوب نماز در سفر نورانی معراج پیامبر اسلام (ص) اتفاق افتاده است.

ب- نماز مرسوم، قبل از معراج واجب شده است. یعنی پیامبر اسلام (ص) پیش از بعثت و یا دست کم در آغاز بعثت نماز هایی (یا طبق این پیامبران پیش از خود، یا بر اساس آیین جدید، به

صورت واجب یا مستحب) می خوانده است که واضح و روشن نیست. اما نماز بر اساس دین اسلام، به صورت واضح پس از ابلاغ دین جدید در مکه، بر مسلمانان واجب شده است. سخن ابن شهر آشوب، در (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱/۴۳). و (همان: ج ۱/۴۵ و ۴۶). از مویذات نظریه دوم است.

علامه طباطبایی در المیزان می نویسد: بنابر دو مبنی: ۱- سوره علق اولین سوره نازل شده قرآن باشد.

۲. سوره علق به صورت دفعی نازل شده باشد. می توان استنباط که پیامبر (ص) قبل از نزول قرآن نماز می خوانده و قبل از بعثت از جمله- ای پیامبران بوده. اما برخی اساس ایه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ» نماز را در هنگام ظهر تا تاریکی شب و هنگام فجر پیا پیا (اسراء. ۷۸). معتقد است که وجوب نماز در سفر به معراج بوده، و نمازی که قبل از معراج پیامبر (ص) می خوانده نماز مستحبی بوده. اما این سخن درست نیست.

چرا که آنچه از داستان شب معراج مسلم است، و روایات معراج بر آن دلالت دارد، تنها این است که نمازهای پنجگانه یومیه در آن شب با شکل خاص خود یعنی دو رکعت دو رکعت واجب شد، و هیچ دلالتی ندارد بر اینکه قبل از آن شب به صورت دیگر تشریع نشده بود، بلکه در بسیاری از آیات

سوره‌های مکی و از آن جمله سوره‌هایی که قبل از سوره اسراء نازل شده، نظیر سوره مدثر و مزمل و غیر آن دو که سخن از نماز کرده و به تعبیرهایی مختلف از آن یاد نموده، هر چند که کیفیت آن را ذکر نکرده، اما اینقدر هست که نمازهای قبل از معراج مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن و نیز مشتمل بر سجده بوده. و در بعضی از روایات هم آمده که رسول خدا (ص) در اوایل بعثت با خدیجه و علی (علیهما السلام) نماز می‌خوانده، در این روایات هم نیامده که نماز آن روز به چه صورت بوده. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳۲۵/۲۰-۳۲۷). در نتیجه، آنچه منابع اسلامی بیان داشته است، تحول نماز در شب معراج و قبل از آن است، نه اینکه در تغییر قبله بوده باشد، در حالی که تغییر قبله بعد از سفر نورانی معراج پیامبر (ص) اتفاق افتاده است.

د) نمازهای پنج‌گانه و اوقات آنها

اقای باورینگ در بحث نمازهای یومیه، معتقد است که نمازهای پنج‌گانه، در دوره مکی تنها به نماز شامگاهان و صبحگاهان خلاصه می‌شد، که در دوره مدینه از نماز شامگاهان کاسته، و نماز وسطی (ظهر و عصر) جایگزین شد، و بعد از فوت محمد (ص) فقیهان، با استفاده از سنت رایج، نماز مرسوم را در اوقات مرسوم ترویج نمودند. اما دانشمندان غربی بر خلاف اندیشه فقیهان اسلامی معتقد است که نمازهای پنج‌گانه، و اوقات آنها از قرآن و احادیث بدست نمی‌آید، بلکه متأثر از نمازهای زردشتیان و یهودیان است. وی برای اتقان مدعایش می‌نویسد:

محققان غربی سه تبیین اساسی برای تثبیت نمازهای پنج‌گانه یومیه پیشنهاد داده اند: ۱- نمازهای پنج‌گانه یومیه نتیجه تقسیم نماز شب، به نماز سر شب (نماز مغرب و عشا)، و نماز پایان شب (صلوة الفجر)، و نماز میانه روز به (صلوة الظهر والعصر)، است، این تبیین با حدیثی از ابن عباس قابل استناد است. ۲- نمازهای پنج‌گانه یومیه از نمازهای پنج‌گانه روزانه و الزامی زردشتیان الگو برداری شده است. ۳- نمازهای پنج‌گانه یومیه به احتمال زیاد، رعایت حد وسطی از سه نوبت عبادت یهودیان در کنیسه‌ها و عبادت هفت (ساعته) راهبان مسیحی انتخاب شده است. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴, P. ۴, Vo. ۲۲۷, البته دقت در طرح‌های استوره احادیث



اسلامی، نشان می دهد که شروط واضحی در اوقات نمازهای پنج گانه، در قرآن وجود ندارد، و اصلاً برای تثبیت وجوب نماز های پنج گانه، مبنای موثقی ضرورت نداشته. (Vo. ۲۰۰ I.d, ۴, ۲۲۷p).

بررسی

در بیان کمیت و کیفیت نمازهای پنج گانه یومیه، در منابع اسلامی روایات مختلف وجود دارد. روایت امام رضا (ع). در خصوص تعداد رکعات نماز و روند تغییر آن. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۲۶۱/۱). روایت امام سجاد (ع) در باره چگونگی نمازهای یومیه (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴۵۵/۱). بیان می کند که نمازهای یومیه و اوقات آنها توسط شخص بیان تبیین و تفسیر شده است. چنانکه خود آقای باورینگ به این امر اذعان کرده است: هنگامی که پیامبر به معراج رفت خداوند او را مسئول کرد

که نمازهای پنج گانه یومیه را بر امتش واجب کند. پس تشریع نمازهای پنج گانه یومیه تشریع خود پیامبر است. ۲- جبرئیل، که در قرآن از او به عنوان فرشته وحی یاد می شود (بقره/۹۷) در یک روز پنج بار از آسمان نازل شد و بر پیامبر چگونگی برپایی نمازهای پنج گانه را تعلیم نمود. (Gerhard, Böwering, EQ, ۲۰۰۴. P. ۴. Vo. ۲۲۷).

نتایج

۱. مقاله آقای باورینگ از نقاط قوت مانند، استفاده از منابع اسلامی، از آیات قرآن و احادیث نبوی بر خور دار است. اما تحلیل و بررسی و نتایجی که بدست آورده، بر اساس مبانی غیر اسلامی (تاثیر پذیری قرآن از فرهنگ زمانه) است یعنی نماز، الفاظ بیانگر نماز در قرآن، اوقات و چگونگی نماز را متأثر از ادیان قبل و فرهنگهای عصر نزول می داند. و این مبنا بی اساس است.

۲. اصطلاح نماز و واژه های هم جوار آن، گرچه در ادیان و فرهنگ های گذشته و عصر نزول وجود داشته است. اما در کاربرد قرآنی با توجه با محورهای هم نشینی و جانشینی بویژه در حوزه های معنا شناسی تاریخی و توصیفی بر اساس علوم بلاغی معنای مخصوص به خود پیدا کرده است.



۳. شکل عبادی مرسوم و رایج مسلمانان در زمان بعثت توسط پیامبر اسلام(ص)، با رسالت جبرئیل، به فرمان خداوند ایجاد و اجرا شده است.
۴. عبادت های شخص پیامبر(ص) قبل از بعثت، در منابع اسلامی خیلی واضح و روشن بیان نشده است. آنچه که در منابع اسلامی بدست می آید این است که پیامبر(ص)، پس از شیرخوارگی به عالم غیب ارتباط داشته و عبادت های مخصوص به خود داشته است.
۵. عبادت های جمعی مسلمانان بر گرفته از آموزه های قرآن و احادیث نبوی است که توسط شخص پیامبر(ص) به فرمان خداوند تبیین و تفسیر شده است.
۶. تحول و تغییر نماز پیامبر اسلام(ص) قبل و بعد از بعثت و طبق طبق بر خی اقوال قبل و بعد از سفر نورانی پیامبر(ص) به معراج بوده است.
۷. نمازهای پنج گانه یومیه و اوقات آنها، با فرمان خداوند توسط پیامبر اسلام(ص) و راهنمایی جبرئیل تعیین و تبیین شده است.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران- قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (م ۳۸۱ق)، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، ایران- قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، کتابخانه ایت الله نجفی مرعشی، ایران- قم، چاپ اول، ۱۳۳۷ش.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، دارالعلم للملایین، لبنان- بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، ایران- قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، لبنان- بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۷. ابوالفتح رازی، حسن بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمد مهدی ناصح و یا حقی، استان قدس رضوی، ایران- مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۸. ازهری، محمد بن احمد، معجم تهذیب اللغة، تحقیق: ریاض زکی قاسم، دارالمعرفه، لبنان- بیروت، ۱۴۲۲ق.
۹. اعشى، میمون بن قیس، دیوان الاعشى الكبير، تحقیق: محمد حسین، بی جا، مکتبه الاداب، بی تا.
۱۰. بستانی، فواد افرام، فرهنگ امجدی، انتشارات اسلامی، ایران- تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۱۱. تفلیسی، حبیب بن ابراهیم، وجوه قرآن، دانشگاه تهران، ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، لبنان- بیروت، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه ال بیت (ع) ایران- قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، لبنان- بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، تصحیح: محمد خواجوی، نشر بیدار، ایران- قم، چاپ دوم، ۱۳۶۱ش.
۱۶. صفوی، کوروش، در امدی بر معنا شناسی، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۳ش.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (م ۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. لبنان/ بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله طباطبایی یزدی و رسولی محلاتی، ناصر خسرو، ایران- تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، نشر مرتضوی، ایران- تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر عیاشی)، تحقیق: هاشم رسولی، مکتبه الاسلامیه، ایران- تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، ایران- قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. فیروز ابادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دارالکتب العلمیه، لبنان- بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق) الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیه. ایران- تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی شیری، دارالفکر، لبنان- بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.



۲۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران- تهران، چاپ اول، ۳۶۸ ش.

۲۶. Encyclopedia of the Qur'ān, Jane Dammen McAuliffe, General Editor, Brill, Leiden - Boston, ۲۰۰۴, volume four, p. ۲۳۴-۲۱۵). Gerhard Böwering.

۲۷. ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, NEW EDITION, VOLUME, VII, LEIDEN-NEW YORK E.J. BRILL. ۱۹۹۳. (R. HILLENBRAND).